

امکان سنجی ازدواج خلیفه دوم با حضرت ام کلثوم علیها السلام

صهیب تقوی^۱

عباس محمودی^۲

چکیده

ازدواج خلیفه دوم با ام کلثوم از موضوعات اختلافی در تاریخ اسلام است. اهل سنت، پذیرش یا رد این قضیه را در تقویت یا تضعیف برخی از حوادث مهم تاریخی مانند غصب خلافت و فدک مؤثر دانسته‌اند. بر همین اساس، ارائه تحقیقی جامع، جهت مشخص شدن همه جوانب قضیه، ضروری به نظر می‌رسد. هدف این پژوهش، جمع‌آوری روایات و آرای موافقان و مخالفان و تبیین آن‌ها بدون هرگونه موضع‌گیری برای دست‌یابی به واقعیت است. مأموریت آن، بررسی و تحلیل امکان وقوع این ازدواج در شرایط عادی و اکراه است. پیش‌تر مقاله‌ای از همین نویسنده با عنوان «بازپژوهی تاریخی گزارش ازدواج خلیفه دوم با دختر امیر مؤمنان علیه السلام» چاپ شده بود.^۳ نوآوری این مقاله، دو سویه اصل امکان وقوع چنین جریانی با توجه به متون حدیثی و تاریخی موافق و مخالف است. فایده آن، پاسخگویی به بسیاری از شبهات در مورد چگونگی ارتباط اهل بیت علیهم السلام با خلیفه دوم است. این پژوهش در ساختاری تازه، مطالب خود را در دو بخش ام کلثوم و دیدگاه‌های مختلف در ازدواج ایشان با عمر و امکان سنجی ازدواج، ارائه می‌دهد.

۱. مدرس مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم. (soheibtaghavi@yahoo.com)

۲. مدرس مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم. (abbasmahmoodi۱۳۵۸@yahoo.com)

۳. فصلنامه علوم و معارف قرآن و حدیث، مرکز تخصصی حدیث حوزه، ش ۱۲، پاییز ۱۳۹۶.

واژگان کلیدی

دختر امیرمؤمنان، ازدواج‌های عمر بن خطاب، کفویت در ازدواج، اکراه در ازدواج، علوم و معارف قرآن و حدیث

درآمد

ازدواج عمر با دختر امیرمؤمنان علیه السلام جریانی خانوادگی و اجتماعی نیست، بلکه یکی از موضوعات مهم در تاریخ اسلام است که پذیرش یا رد آن در تقویت یا تضعیف برخی از وقایع تاریخی مانند اهانت خلیفه به خانه فاطمه علیها السلام و غصب خلافت و فدک، مؤثر است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که با وجود احادیث و گزارش‌های تاریخی متعددی که در مورد اختلاف‌های جدی امیرمؤمنان علیه السلام با عمر رسیده، آیا وقوع چنین ازدواجی در شرایط عادی ممکن است؟ در شرایط اجبار چطور؟ اهمیت این موضوع و سؤالات فراوانی که پیرامون آن مطرح است، ضرورت بررسی و تحلیل این ازدواج را بیشتر می‌کند.

گرچه تاکنون پژوهش‌هایی درباره ازدواج ام‌کلثوم با عمر انجام گرفته^۴ اما با هدف اثبات یا رد این موضوع بوده است. آنچه این پژوهش را منحصر نموده، جامع‌نگری نسبت به ارائه نظرات موافقان و مخالفان و بررسی و تحلیل اصل امکان وقوع چنین رویدادی در تاریخ اسلام است. هدف این پژوهش، ارائه نظری واقع‌گرایانه و به دور از هرگونه تعصب در امکان‌سنجی این ازدواج نسبت به شرایط عادی و اجبار بوده که با جمع‌آوری، بررسی و تحلیل احادیث، گزارش‌های تاریخی و مباحث کلامی امکان‌پذیر است.

بررسی دلایل موافقان و مخالفان این ازدواج نشان می‌دهد وقوع چنین مسأله‌ای در شرایط عادی غیرممکن و با شرایط اکراه، ممکن است. بنابراین، امکان وقوع اکراهی آن، نشان از وجود رابطه صمیمی و دوستانه بین امیرمؤمنان علیه السلام با عمر نبوده، بلکه بی‌مهری خلیفه دوم نسبت به اهل بیت علیهم السلام را ثابت می‌کند. فایده مهم این تحقیق، پاسخگویی به شبهه‌ای درباره چگونگی ارتباط اهل بیت علیهم السلام با خلیفه دوم است. پژوهش حاضر در دو بخش تنظیم شده است: الف) ام‌کلثوم و دیدگاه‌های مختلف در ازدواج ایشان با عمر؛ ب) امکان‌سنجی ازدواج

۴. نگاشته‌هایی مانند، «قول محتوم فی عقد ام‌کلثوم» اثر سیدکرامت علی هندی، «ترویج ام‌کلثوم بنت امیرالمؤمنین علیه السلام و انکار وقوعه» از شیخ محمدجواد بلاغی، «ازدواج ام‌کلثوم با عمر» از سید علی میلانی، از این جمله‌اند.

الف) ام کلثوم و دیدگاه‌های مختلف در ازدواج ایشان با عمر

گام اول این پژوهش، شناسایی و جمع‌آوری اقوال موجود در این مسأله است. این عمل، باعث دوری از نگاه یک سویه و قضاوت عجولانه می‌گردد. بخش اول این تحقیق در دو عنوان کیستی‌شناسی ام کلثوم و گونه‌شناسی دیدگاه‌های مختلف، بیان می‌گردد.

۱. کیستی ام کلثوم

نام ام کلثوم در موارد متعدد و حساسی از تاریخ امیرمؤمنان علیه السلام تا زمان امام حسین علیه السلام به چشم می‌خورد. از جمله در شب نوزدهم ماه رمضان سال چهارم که آن حضرت، افطار، مهمان دخترشان ام کلثوم بودند.^۵ امام علیه السلام در این شب پس از اعلان خبر شهادت خود، وی را دلداری دادند.^۶ ام کلثوم در سفر تاریخی امام حسین علیه السلام به سمت کوفه و حادثه عاشورای سال ۶۱ هجری نیز همراه برادرش بود و آنجا که آن حضرت علیه السلام به خیمه آمده و از زنان حرم خداحافظی کردند در کنار سکینه، فاطمه و زینب از ام کلثوم نام برده و فرمودند:

یا سَكِينَةَ، یا فَاطِمَةَ، یا زَيْنَبُ، یا أُمَّ كَلْثُومٍ عَلَيْكِنَّ مِنِّي السَّلَامُ.^۷

در ماجرای اسارت نیز نام ام کلثوم دیده می‌شود. او در کوفه پس از زینب کبری علیه السلام برای مردم خطبه خواند و آنها را سرزنش کرد.^۸ در شام، پس از رسوایی یزید و آن گاه که یزید به ظاهر در صدد جبران جنایات خود برآمد و به ام کلثوم گفت:

این اموال را در برابر آن مشکلات و سختی‌ها از ما بگیر.

او پاسخ داد:

یا یزید! ما أَقَلَّ حَيَاءَكَ وَ أَصْلَبَ وَجْهَكَ، تَقْتُلُ أَخِي وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ تُعْطِينِي عَوْضَهُمْ؟!^۹

۵. ن. کذ الارشاد، ج ۱، ص ۱۶.

۶. ن. کذ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۱۷.

۷. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۷.

۸. ن. کذ اللهوف، ص ۹۱.

۹. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۷.

ای یزید! چقدر بی حیا و بی شرمی! برادر و خاندان ما را می کشی و اکنون می خواهی عوض آن‌ها را به ما بپردازی و با اموال، آن جنایت عظیم را جبران کنی؟!

طبری (م ۳۱۰ق)، شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، ابن عبدالبر (م ۴۶۳ق)، ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) و ابن اثیر (م ۶۳۰ق) ایشان را به همراه امام حسن، امام حسین و زینب علیها السلام از فرزندان فاطمه و علی علیهما السلام دانسته‌اند.^{۱۰} الاستیعاب تصریح می‌کند که ام‌کلثوم قبل از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله متولد شد.

بر اساس برخی از نقل‌های تاریخی، ام‌کلثوم در زمان حکومت معاویه و امارت سعید بن عاص بر مدینه (قبل از سال ۵۴ق) وفات یافت.^{۱۱} ابن عبدالبر و ابن حجر نیز وفات او را زمان امام حسن علیه السلام می‌دانند^{۱۲} ولی با پذیرش حضور ام‌کلثوم در حوادث کربلا، باید وفات وی سال ۶۱ هجری به بعد بوده باشد؛ به همین جهت، بعضی، وفات او را چهارماه پس از بازگشت اسرا از شام دانسته‌اند.^{۱۳}

۲. گونه‌شناسی دیدگاه‌ها درباره ازدواج خلیفه دوم با ام‌کلثوم

ماجرای قبول یا رد ازدواج ام‌کلثوم با خلیفه دوم، همواره در میان نویسندگان و مورخان، مطرح و بررسی شده است. مجموع این نظریه‌ها به دو دسته کلی قابل تقسیم است.

۱/۲. واقع نشدن ازدواج

عده‌ای از دانشمندان شیعه و سنی، منکر صورت گرفتن چنین ازدواجی شده و نظرات مختلفی را در این زمینه ارائه داده‌اند.

برخی معتقدند آن ام‌کلثوم که با عمر ازدواج کرده، دختر اسماء بنت عمیس دخترخوانده امیرمؤمنان علیه السلام بوده است.^{۱۴} عده‌ای دیگر معتقدند امیرمؤمنان علیه السلام، زنی از جن را که شبیه ام‌کلثوم

۱۰. تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۱۵۳؛ الارشاد، ج ۱، ص ۳۵۴؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۹۳ و ۱۹۵۴؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۸۹؛ اسد الغابة، ج ۶، ص ۳۸۷.

۱۱. ن. کذ اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵.

۱۲. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۶؛ اسد الغابة، ج ۶، ص ۳۸۷.

۱۳. ن. کذ اعلام النساء، ص ۲۳۸.

۱۴. ن. کذ شرح احقاق الحق، ج ۲، ص ۳۷۶؛ تهذیب الاسماء، ج ۲، ص ۶۳۰، ش ۱۲۲۴.

بود به عقد عمر در آوردند.^{۱۵} برخی نیز گفته‌اند که ام‌کلثوم فرزند امیرمؤمنان علیه السلام از ام ولد است.^{۱۶} شماری از علما مانند رضی‌الدین حلی (م ۶۳۵ق)، صالحی شامی (م ۹۴۲ق)، شهاب‌الدین قلیوبی (م ۱۰۶۹ق)، شیخ محمد خضری بک (م ۱۳۴۵ق) و باقر شریف قرشی (م ۱۴۳۳ق) نیز معتقدند که امیرمؤمنان علیه السلام فرزندی به نام ام‌کلثوم از حضرت زهرا علیها السلام نداشته بلکه ام‌کلثوم، کنیه حضرت زینب علیها السلام بوده است.^{۱۷} در نهایت بعضی مانند ابن قدامه، ازدواج خلیفه دوم با ام‌کلثوم را به جهت عدم کفویت دینی و نسبی منکر شده‌اند.^{۱۸}

۲/۲. وقوع ازدواج

دسته دوم از عالمان، کسانی هستند که اصل ازدواج را پذیرفته‌اند که خود بر چند گروه‌اند. عده‌ای مانند شیخ مفید و سید مرتضی (م ۴۳۶ق) آن را براساس ضرورت و تهدیدها و کشمکش‌های فراوان دانسته‌اند.^{۱۹} یعقوبی (م بین ۲۸۴ تا ۲۹۲ق) و طبری تاریخ این ازدواج را سال ۱۷ هجری دانسته‌اند.^{۲۰} برخی نیز برای او فرزندی از عمر به به نام زید بن عمر بن خطاب ذکر کرده‌اند.^{۲۱} برخی دختری به نام رقیه را نیز افزوده‌اند.^{۲۲} غالب مورخان اهل سنت، نظر اخیر را پذیرفته و در کتاب‌های تاریخی و حدیثی خود آن را ثبت کرده‌اند و در کتاب‌های فقهی (بحث چگونگی ایستادن امام در نماز میت در برابر جنازه زن و مرد) نیز به آن استناد کرده‌اند.^{۲۳} ابومحمد نوبختی معتقد است که ام‌کلثوم کوچک بود؛ هر چند عقد واقع شد ولی پیش از وقوع زفاف، عمر از دنیا رفت.^{۲۴}

شبهه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 فصل طایع علوم انسانی

۱۵. ن. کذ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۲۷؛ المجدی، ص ۱۷.
۱۶. ن. کذ موالید الائمه علیهم السلام، ص ۱۵.
۱۷. العدد القویة، ص ۲۴۲؛ سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۲۸۸؛ حاشیة القلیوبی، ج ۳، ص ۲۳۶؛ نور الیقین، ج ۱، ص ۱۱۱؛ حیاة سیدة النساء فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۲۱۹.
۱۸. الکافی فی فقه الامام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۱.
۱۹. المسائل العکبریة، ص ۶۲-۶۱؛ رسائل المرتضی، ج ۳، ص ۱۴۹.
۲۰. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۶۹؛ تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۹.
۲۱. ن. کذ تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۶۲، ح ۱۵.
۲۲. ن. کذ الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۴؛ الاصابة، ج ۸، ص ۴۶۵؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۶.
۲۳. ن. کذ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۳۴۸؛ المبسوط، ج ۲، ص ۶۵.
۲۴. ن. کذ بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۹۱.

بنابراین، درباره اصل وجود ام‌کلثوم و ازدواج وی با خلیفه دوم نظرات متعددی وجود دارد. نخست، آنکه امیرمؤمنان علیه السلام دختری به نام ام‌کلثوم نداشته‌اند. دوم، اینکه دختری به این نام داشته‌اند ولی با خلیفه دوم ازدواج نکرد. سوم، آنکه ازدواج کرد ولی به عروسی منتهی نشد. چهارم، اینکه ازدواج به صورت کامل انجام شد اما این امر از روی اجبار و فشار بود. پنجم، آنکه این ازدواج انجام گرفته و اجباری هم در آن نبوده است. نظر اخیر در شیعه قائلی ندارد و فقط برخی از اهل سنت به آن قائل شده‌اند.

ب) امکان سنجی ازدواج ام‌کلثوم با خلیفه دوم

امکان وقوع ازدواج خلیفه دوم با دختر امیرمؤمنان علیه السلام در شرایط عادی، بحثی دامنه‌دار و مهم در تاریخ اسلام است که مبنای استنباط مسائل مهمی از جانب موافقان و مخالفان این نظریه قرار گرفته است. گروهی از محدثان و فقیهان به‌طور کلی، قائل به نفی این ازدواج شده‌اند. عده‌ای دیگر، پذیرش آن را در شرایط عادی محال دانسته و تنها با قید اجبار و اکراهی بودن، صورت گرفتن ازدواج آن دو را پذیرفته‌اند. این بخش از پژوهش به بررسی و تحلیل دلایل موافقان و مخالفان پرداخته و در دو بخش امکان ازدواج در شرایط عادی و اکراهی تنظیم شده است.

۱. امکان ازدواج عمر با ام‌کلثوم در شرایط عادی

کسانی که نظریه ازدواج عمر با ام‌کلثوم را از اساس مردود دانسته‌اند، خود بر چند دسته‌اند و دلایل گوناگونی را ارائه کرده‌اند. مجموع دلایل مخالفان اصل ازدواج در سه محور بررسی می‌شود.

۱/۱. اضطراب در احادیث

حدیث مضطرب، حدیثی است که در متن یا سند آن دوگانگی اتفاق افتاده باشد، یعنی یک بار به‌گونه‌ای و بار دیگر به‌گونه‌ای متفاوت نقل شده باشد.^{۲۵} اگر راهی برای علاج اضطراب در یک روایت یافت نشود؛ یعنی، وجه صحیحی برای جمع حدیث وجود نداشته باشد، آن اضطراب، باعث بی‌اعتمادی به حدیث و کنارگذاشتن آن می‌شود. محدثان، اضطراب را یکی از معیارهای نقد روایت دانسته‌اند. به عنوان نمونه، آیت‌الله خویی، دلیل عدم اعتماد به روایات جمع قرآن را اضطراب متنی آن می‌داند.^{۲۶}

۲۵. ن. کد مقیاس الهدایة، ج ۱، ص ۳۸۶.

۲۶. ن. کد روش‌شناسی نقد احادیث، ص ۶۶۳.

یکی از دلایل مخالفان ازدواج عمر با ام‌کلثوم، وجود اضطراب در روایات ناقل این قضیه است. اختلاف‌ها و تناقض‌های زیادی که در نحوه خواستگاری، مقدار مهریه، سن ام‌کلثوم در زمان ازدواج و موارد دیگر وجود دارد، باعث بی‌اعتمادی به این روایات و انکار اصل مسأله شده است. شیخ مفید می‌گوید:

اختلاف‌های فراوانی که در نقل این ماجرا وجود دارد، سبب پیدایش اضطراب در متن احادیث شده و باعث کناره‌نهادن این دسته از احادیث می‌شود.^{۲۷}

برای نمونه، برخی از این تناقضات آورده می‌شود:

- اختلاف در نحوه خواستگاری

برخی اقوال، خواستگاری را با تهدید عمر همراه دانسته و بعضی، عقد آن دو را از روی میل و اختیار شمرده‌اند.^{۲۸}

- تناقض در عاقد

بعضی روایات، عاقد را خود امیرمؤمنان علیه السلام و برخی، عباس بن عبدالمطلب دانسته‌اند.^{۲۹}

- اختلاف در مقدار مهریه

بنابر یک نقل، عمر به ام‌کلثوم، چهل هزار درهم و به نقل دیگر چهل هزار دینار مهریه داد. یک نقل، مهریه را چهار هزار درهم دانسته و در نقلی دیگر، پانصد درهم گزارش شده است. بعضی منابع، مقدار مهریه را ده هزار دینار بیان کرده‌اند.^{۳۰}

- اختلاف در تعداد فرزندان ام‌کلثوم

۲۷. المسائل السروية، ص ۹۰.

۲۸. ن. كند سنن سعيد بن منصور، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۱۰۱۱؛ الاستيعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۵؛ الوافي بالوفيات، ج ۲۴، ص ۲۷۲.

۲۹. ن. كند المسائل السروية، ص ۸۸؛ الكافي، ج ۵، ص ۳۴۶.

۳۰. ن. كند تاريخ اليعقوبي، ج ۲، ص ۱۵۰؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۸۸۷؛ سنن ابى داود، ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۲۱۰۶؛ الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۶۳، الاستيعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۵؛ الاصابة، ج ۸، ص ۲۹۳.

برخی، فرزندی را برای ام کلثوم ذکر نکرده‌اند و بعضی، فقط برای او یک فرزند به نام زید شمرده‌اند. برخی رقیه را نیز اضافه کرده و بعضی برای ام کلثوم، سه فرزند به نام‌های زید، رقیه و فاطمه نقل کرده‌اند.^{۳۱}

- اختلاف در سنّ ام کلثوم هنگام ازدواج

عده‌ای وی را دختری کوچک و غیر بالغ دانسته‌اند اما برخی دیگر سنّ او را ۱۰ سال یا بیشتر ثبت کرده‌اند.^{۳۲}

- اختلاف در ازدواج ام کلثوم پس از عمر

گروهی گفته‌اند که ام کلثوم پس از عمر با عون بن جعفر بن ابی طالب و پس از آن با محمد بن جعفر ازدواج کرد. هنگامی که محمد بن جعفر از دنیا رفت با برادرش عبد الله بن جعفر پس از حضرت زینب رضی الله عنها ازدواج کرد.^{۳۳} برخی هم گفته‌اند که ام کلثوم پس از عمر با محمد بن جعفر و پس از وی با عبد الله بن جعفر ازدواج کرد و سخنی از عون بن جعفر به میان نیاورده‌اند.^{۳۴}

- اختلاف در تاریخ و چگونگی وفات ام کلثوم

تعدادی از روایات، مرگ وی را در زمان حکومت عبد الملک بن مروان ثبت کرده‌اند. برخی، وفات او را در زمان امارت سعید بن عاص می‌دانند و عده‌ای مرگ ام کلثوم را پس از واقعه کربلا دانسته‌اند. در مورد چگونگی وفات هم گزارشات متناقض است. بعضی، علت مرگ را بیماری، تعدادی آن را بر اثر اصابت سنگ، برخی آن را بر اثر اصابت تیر و بعضی هم بر اثر خوردن سم بیان کرده‌اند.^{۳۵}

اختلاف و تناقض‌های زیاد در مسأله ازدواج ام کلثوم با عمر، سبب بی‌اعتمادی به این گزارش‌ها می‌گردد.

۳۱. ن. کذ سنن البیهقی، ج ۷، ص ۷۰؛ الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۲۶۵؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۵۶۴؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۰؛ البداية و النهایة، ج ۵، ص ۲۹۳؛ نسب قریش، ج ۱۰، ص ۳۴۹؛ الكامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۴۵۰؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۸۹؛ الاصابة، ج ۲، ص ۶۲۸؛ الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۷۹.

۳۲. ن. کذ المصنف، ج ۶، ص ۱۶۴؛ الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۶۳؛ المنتظم، ج ۴، ص ۲۳۷؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۹۶؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵؛ ربیع الاربار، ج ۱، ص ۴۶۸.

۳۳. الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۶۳؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۷۸.

۳۴. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۷۸.

۳۵. ن. کذ المصنف، ج ۶، ص ۱۶۴؛ بلاغات النساء، ص ۲۴؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۶؛ اسد الغابة، ج ۷، ص ۴۲۵؛ الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۲۴.

۲/۱. نبودن کفویت بین عمر و ام کلثوم

ازدواج در اسلام دارای شرایط و ضوابط متعددی است. یکی از شرایط زوجین، کفویت است. برخی از عالمان شیعه و سنی، دلیل رد این ازدواج را نبود کفویت دانسته‌اند. این قدامه، عدم کفویت دینی و نسبی بین خلیفه دوم با ام کلثوم را دلیل انکار این ازدواج می‌داند.^{۳۶}

برای اثبات عدم کفویت عمر با ام کلثوم، شرایط کفویت مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

- کفویت در پایبندی به احکام شرعی

از سفیان ثوری نقل شده:

به بدعت‌گذار و فاسق و ستمگر و شارب خمر و رباخوار نباید دختر داد. اگر کسی چنین کند، دین خویش را نابود کرده و رجم خویش را قطع کرده و سرپرستی دختر خویش را به خوبی انجام نداده است؛ زیرا او نیکی به این دختر را ترک کرده است! این‌ها همتای دختر آزاد مسلمان عقیف نیستند.^{۳۷}

عالمان بزرگ اهل سنت با صراحت نقل کرده‌اند که عُمر، خود نیز می‌دانست که دیگران، او را ظالم، فاجر^{۳۸} و خائن می‌دانند.^{۳۹}

بررسی شخصیت دینی و اخلاقی خلیفه دوم و مقایسه آن با شخصیت ام کلثوم، هم شأن نبودن آن‌ها را اثبات می‌کند. ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب علیه السلام، از نژاد هاشم، مادرش فاطمه علیها السلام بهترین دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود^{۴۰} در حالی که خلیفه دوم، متهم به بدعت‌گذاری در دین بوده است.^{۴۱}

بدعت‌های خلیفه دوم در کتاب‌های اهل سنت به صورت گسترده نقل شده است. بدعت در اذان صبح، بدعت در اذان و اقامه، نهی از متعه زنان، طلاق سوم (و آن چه عمر بعد از آن پدید آورد)، چهار

۳۶. ن. کذ الکافی فی فقه الامام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۱.

۳۷. قوت القلوب، ج ۲، ص ۴۱۴؛ المبسوط، ج ۴، ص ۱۹۶.

۳۸. ن. کذ المصنف، ج ۵، ص ۵۰۲، ح ۲۸۴۰۱؛ العقد الفرید، ج ۶، ص ۳۸۲.

۳۹. ن. کذ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۷۸، ح ۱۷۵۷.

۴۰. ن. کذ الاصابة، ج ۸، ص ۴۶۴؛ ازدواج ام کلثوم با عمر، ص ۵۱.

۴۱. ن. کذ قوت القلوب، ج ۲، ص ۴۱۴.

تکبیر در نماز بر اموات، شرط ارث بردن برادر و خواهر، منع از خواندن دو رکعت نماز مستحبی بعد از نماز عصر، جا به جا نمودن مقام ابراهیم، ممانعت از گریستن بر اموات، دستور تشکیل شورا، نماز تراویح، تحریم متعه حج و تحریم متعه نکاح، نمونه‌هایی از این بدعت هاست.^{۴۲}

- کفویت در اخلاق

عالمان بزرگ اهل سنت، اخلاق تند و خشونت ذاتی خلیفه دوم را با صراحت نقل کرده‌اند. به‌عنوان مثال، ابن ماجه از اشعث بن قیس چنین نقل می‌کند:

شبی مهمان عمر بودم، نیمه‌های شب دیدم همسرش را کتک

می‌زند؛ برخاستم و او را از کتک‌زدن همسرش بازداشتم.^{۴۳}

بر اساس گزارش‌های تاریخی، عدم تمایل ازدواج برخی زنان با عمر، تندخویی او معرفی شده که به‌عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

اکراه ازدواج دختر عتبه از ازدواج با عمر

مطابق نقل بلاذری، طبری، ابن اثیر و ابن کثیر هنگامی که یزید بن ابوسفیان از دنیا رفت، عمر از همسرش ام‌ابان (دختر عتبه) خواستگاری کرد؛ وی نپذیرفت و علت آن را چنین بیان کرد:

عمر بن خطاب، عبوس و ترش‌رو وارد منزل می‌شود و عبوس

خارج می‌گردد؛ در خانه را می‌بندد. (و به همسرش اجازه بیرون‌رفتن

نمی‌دهد) و خیرش (رسیدگی به همسرش) اندک است.^{۴۴}

۴۲. ن. کذ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۷۰۷؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۰ و ۵۷۵؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۳۷۰؛ سنن البیهقی، ج ۷، ص ۳۳۶؛
۳۳۶؛ الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۲۰۴ و ج ۵، ص ۳۶۱؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۳۳۹؛ معرفة الصحابة، ص ۱۷۱؛ شرح
نهج البلاغة، ج ۱، ص ۶۲ و ج ۳، ص ۱۱۱؛ سيرة الحلبي، ج ۲، ص ۱۱۰.
۴۳. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۳۹؛ تهذيب الكمال، ج ۱۸، ص ۳۱،
۴۴. انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۶۰؛ عيون الاخبار، ج ۱، ص ۳۷۹؛ تاريخ الطبري، ج ۲، ص ۵۶۴؛ الكامل في التاريخ، ج ۲، ص ۵۱،
البدایة و النہایة، ج ۷، ص ۱۳۹.

امتناع دختر ابوبکر از ازدواج با عمر

مطابق نقل ابن عبدالبر، عمر از ام کلثوم دختر ابوبکر، خواستگاری کرد. وی به خواهرش عایشه گفت:

تو می‌خواهی من به ازدواج کسی درآیم که تندخویی و سخت‌گیری او را در زندگی می‌دانی؟!^{۴۷}

ابن عبدالبر پس از نقل این مطلب می‌گوید:

می‌بینیم که حتی دختر کم سن و سالی همانند ام کلثوم دختر ابوبکر با آن که عمر، هم خلیفه مسلمین است و هم با پدرش ابوبکر بسیار دوست و همراه بود، حاضر به ازدواج با وی نمی‌شود.^{۴۸}

- کفویت در سن از نگاه خلیفه دوم

ام کلثوم، کودک خردسالی بوده^{۴۹} ولی خلیفه دوم، حداقل پنجاه و هفت سال سن داشته است.^{۴۷} آیا عمر با این حال راضی به این ازدواج شد؟^{۴۸} آن هم در حالی که خودش ازدواج پیرمردان با دختران جوان را مذمت می‌کرد؟ ابن عساکر می‌نویسد:

زن جوانی را که با پیرمردی ازدواج کرده بود و سپس شوهرش را کشته بود، نزد عمر آوردند، عمر گفت: ای مردم از خدا بترسید، هر مردی باید با زنی همسان خودش ازدواج کند و هر زنی نیز باید با مردی ازدواج کند که همسان است.^{۴۹}

۴۵. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۰۷.

۴۶. ابن اثیر این ازدواج را در سال ۱۷ق دانسته است. عمر در سال ۲۳ق کشته شد در حالی که ۶۳ سال داشت و ام کلثوم در سال آخر عمر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دنیا آمد. بر این اساس عمر در زمان خواستگاری، ۵۷ سال و ام کلثوم هفت یا هشت سال داشت. به گفته ابن سعد هنوز او به سن بلوغ نرسیده بود. (ن. کنه سنن سعید بن منصور، ج ۱، ص ۲۴۳، ج ۸۰۹؛ خصائص امیر المؤمنین، ج ۱، ص ۱۳۶؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۵۰۹ و ۵۱۰؛ المجتبی من السنن، ج ۶، ص ۶۲)

۴۷. پاسخ امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام که فرمود: «لَهَا صَبِيَّةٌ» او کودک است. مؤید این مطلب است. (ن. کنه الاستیعاب، ج ۴، ص ۵۰۹)

۴۸. ممکن است چنین پرسشی درباره ازدواج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با برخی همسران کم‌سن‌شان مطرح شود. در پاسخ باید گفت که آن ازدواج‌ها با درخواست و رضایت طرف مقابل و ولی او بوده و آنها خود را بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرضه می‌کردند؛ به خلاف اینجا که دختر و ولی او ناراضی بود.

۴۹. تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۷۶۹.

بنابراین، با توجه به سخن خلیفه دوم، عدم کفویت وی با ام کلثوم، ثابت است؛ به همین جهت، وقوع چنین ازدواجی غیر ممکن است.

۳/۱. اختلافات مبنایی بین امیرمؤمنان علیه السلام و عمر

یکی دیگر از دلائل مخالفان این ازدواج، وجود اختلافات اساسی بین امیرمؤمنان علیه السلام با خلیفه دوم است. روایات متعددی از منابع عامه، حاکی از وجود اختلاف مبنایی در اعتقادات، بین آن دو است. برای اثبات گزاره یادشده به دو روایت از منابع عامه بسنده می‌شود:

عبدالرزاق صنعانی با سند صحیح از عمر نقل کرده که خطاب به عباس و امیر مؤمنان علیه السلام گفت:

من بعد از ابوبکر دو سال حکومت کردم و روش رسول خدا صلی الله علیه و آله

و ابوبکر را ادامه دادم؛ اما شما دو نفر مرا ستمگر و فاجر می‌دانید.^{۵۰}

مسلم نیشابوری نیز به نقل از عمر، خطاب به امام علی علیه السلام و عمویشان عباس می‌نویسد:

پس از مرگ ابوبکر، من جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و ابوبکر شدم، شما

دو نفر مرا خائن، دروغگو، حيله گر و گناهکار خواندید.^{۵۱}

اعتراف عمر، پرده از اعتقاد واقعی امیرمؤمنان علیه السلام نسبت به خلیفه اول و دوم برمی‌دارد؛ زیرا امیر

مؤمنان علیه السلام گفتار عمر را انکار نکرد. همچنین، تعدادی از اصحاب بزرگ همانند عثمان بن عفان،

عبدالرحمن بن عوف، زبیر بن عوام، سعد بن ابی وقاص و دیگران که در این جلسه حضور داشتند،

این سخن را انکار نکردند. این قضیه، اواخر خلافت عمر بن خطاب روی داده و نشان می‌دهد که آن

حضرت تا آن زمان بر این عقیده بوده‌اند. با وجود این اعتقاد، چگونه ممکن است امیرمؤمنان علیه السلام،

دختر خود را به تزویج چنین شخصی درآورد؟

۲. امکان ازدواج عمر و ام کلثوم در شرایط اکراه

بنا بر نظر برخی از محدثان و مورخان، ازدواج خلیفه دوم با دختر امیرمؤمنان علیه السلام در شرایط اکراه،

ممکن به نظر می‌رسد. برخی از مؤیدات این سخن عبارتست از:

۵۰. المصنف، ج ۵، ص ۶۶۹، ح ۹۷۲۲.

۵۱. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۷۸، ح ۱۷۵۷.

۱/۲. سابقه ازدواج اجباری عمر

ازدواج اجباری عمر بن خطاب با برخی از زنان، سابقه داشته است؛ مانند ازدواج اجباری عمر با عاتکه.

محمد بن سعد در الطبقات الکبری از علی بن زید چنین نقل می‌کند:

عاتکه دختر زید، همسر عبد الله بن ابوبکر بود. عبد الله با او شرط کرده بود که پس از مرگش، شوهر نکند. عاتکه پس از مرگ عبد الله، بدون شوهر ماند و هر کسی از وی خواستگاری می‌کرد، نمی‌پذیرفت. عمر به کسی که ولایت بر عاتکه داشت گفت که برای من از او خواستگاری کن. آن زن عمر را نیز قبول نکرد. عمر به سرپرست او گفت: «تو او را به همسری من در بیاور.» مراسم ازدواج انجام شد، عمر بر او وارد و با وی درگیر شد تا سرانجام با زور با وی همبستر شد. هنگامی که کارش تمام شد، عاتکه با اظهار نفرت چندین مرتبه گفت: «أف. أف.» سپس عمر خارج شد و نزد وی بازنگشت تا آن که عاتکه کنیزش را فرستاد و به عمر گفت: «بیا من در اختیار تو هستم.»^{۵۲}

علاوه بر عمر بن خطاب، ازدواج اجباری و اکراهی برخی از دشمنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام با بعضی از اعضای خانواده ایشان در منابع عامه گزارش شده است؛ مانند ازدواج اجباری «حجاج بن یوسف ثقفی» با دختر حضرت زینب علیها‌السلام^{۵۳} و ازدواج اجباری «مصعب بن زبیر» با سکینه بنت الحسین^{۵۴}.

۲/۲. نارضایتی حضرت علی علیه‌السلام از ازدواج

مطابق نقل ابن جوزی و ابن سعد هنگامی که امام علی علیه‌السلام در پی خواستگاری از ام‌کلثوم فرمود: او کودک است.

۵۲. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۶۵.

۵۳. ن. کذ بلاغات النساء، ج ۱، ص ۵۱؛ ربیع الابرار، ج ۱، ص ۹۲؛ نثر الدر، ج ۴، ص ۳۹؛ التذکره الحمدونیة، ج ۲، ص ۴۸.

۵۴. ن. کذ تذکره الخواص، ص ۲۴۹.

عمر (با ناراحتی) گفت:

به خدا سوگند! این که می‌گویی عذر نیست (و بهانه است) و ما مقصود تو را می‌دانیم (که به این وصلت رضایت نداری).^{۵۵}

در این کلام، عدم رضایت امیرمؤمنان علیه السلام به خوبی مشهود است.

۳/۲. بهره‌گیری عمر از زبان تهدید

یکی دیگر از دلایل اجباری بودن این ازدواج، تهدیدهای خلیفه دوم نسبت به شخص امیرمؤمنان علیه السلام و بنی‌هاشم است. سید مرتضی (م ۴۳۶ق)، اصرار، تهدید و زورگویی عمر را سبب این ازدواج دانسته و می‌نویسد:

الضَّروراتُ تُبيحُ المحظوراتِ.

ضرورت، انسان را ناچار می‌کند که به کاری دست زند.

او روایت:

ذَلِكَ فَرَجٌ غُصِينَاهُ.^{۵۶}

آن ازدواج، ناموسی بوده است که از ما به اکراه و غضب ر بوده‌اند.

را مؤید اضطرار دانسته است.^{۵۷}

برخی از منابع امامیه، این ضرورت و تهدید را به صورت روشن‌تر بیان کرده‌اند. در روایتی که هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، آمده:

هنگامی که عمر، ام‌کلثوم را از علی علیه السلام خواستگاری کرد، حضرت فرمودند: او کودک است (و جواب رد به او دادند). عمر، عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله را ملاقات کرد و ماجرا را برای وی بیان کرد و آنگاه عباس را تهدید کرد: «به خدا سوگند! من چاه زمزم را (که افتخار سقایت آن

۵۵. الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۶۴؛ المنتظم، ج ۴، ص ۲۳۸.

۵۶. الکافی، ج ۵، ص ۳۴۶.

۵۷. رسائل المرتضی، ج ۳، ص ۱۵۰.

با توسل (پُر خواهم کرد و تمامی کرامتی که برای شماست از بین خواهم برد و دو شاهد برای اتهام سرقت بر ضدّ او اقامه می‌کنم و دستش را قطع خواهم کرد! عباس به محضر علی علیه السلام آمد و تهدیدات عمر را بازگو کرد و از آن حضرت علیه السلام خواست که امر ازدواج را به عهده او بگذارد و امیرمؤمنان علیه السلام نیز، آن را به دست وی سپردند.^{۵۸}

عباس هم ام‌کلثوم را به تزویج عمر درآورد.^{۵۹}

بنابراین، فرض وقوع چنین ازدواجی از روی اختیار و رضایت قلبی، ممکن به نظر نمی‌رسد اما امکان آن در شرایط اکراه، وجود دارد.

نتیجه

بررسی و تحلیل روایات و گزارش‌های کتاب‌های انساب و تاریخ، این نتیجه را به دست می‌دهد که امیرمؤمنان علیه السلام دختری به نام ام‌کلثوم داشتند. مجموع نظرات در مسأله ازدواج ام‌کلثوم با خلیفه دوم در دو دسته قابل جمع بندی است. دسته اول، کسانی که ازدواج را به کلی منکر شده‌اند و دسته دوم، کسانی که وقوع اصل ازدواج را پذیرفته ولی آن را از روی اکراه و اجبار که حاکی از نوعی فرهنگ جاهلی است، می‌دانند. نظر برگزیده این پژوهش با توجه به دلایل موجود، امکان وقوع چنین ازدواجی در شرایط اکراه است. اما اینکه چنین ازدواجی در خارج واقع شده باشد یا خیر را نمی‌توان اثبات کرد. البته روشن است بر فرض وقوع هم با توجه به دلائل متعدد، هرگز پیوند مزبور نشانه وجود مودت و محبت بین خاندان اهل بیت علیهم السلام و عمر نیست.

پیشنهاد پژوهشی

بررسی دیدگاه‌های کلامی و فقهی شیعه و اهل سنت در مورد ازدواج ام‌کلثوم با عمر.

۵۸. ن. کنه الکافی، ج ۵، ص ۳۴۶.

۵۹. بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۹۳.

منابع

١. الارشاد، محمد بن محمد بن نعمان (شيخ مفيد)، تحقيق مؤسسة آل البيت لتحقيق التراث، قم، دارالمفيد، اول.
٢. ازدواج ام كلثوم با عمر، سيد على ميلاني، قم، مركز حقايق اسلامي، چهارم، ١٣٨٩ش.
٣. الاستيعاب في معرفة الاصحاب، يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر القرطبي، تحقيق على محمد بجاوي، بيروت، دارالجيل، اول، ١٤١٢ق.
٤. اسد الغابة في معرفة الصحابة، عزالدين على بن ابي الكرم (ابن اثير)، تهران، اسماعيليان.
٥. الاصابة في تمييز الصحابة، احمد بن على بن حجر ابوالفضل عسقلاني، تحقيق على محمد بجاوي، بيروت، دارالجيل، اول، ١٤١٢ق.
٦. انساب الاشراف، احمد بن يحيى بلاذري، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلي، بيروت، دارالفكر، ١٤١٧ق.
٧. بحار الانوار، محمداقرا مجلسي، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ق.
٨. البداية و النهاية، ابوالفداء اسماعيل بن كثير دمشقي، تحقيق شيري، بيروت، داراحياء التراث العربي، ١٤٠٨ق.
٩. بلاغات النساء، ابوالفضل احمد بن ابي طاهر (ابن طيفور)، قم، منشورات مكتبة بصيرتي.
١٠. تاريخ مدينة دمشق، ابوالقاسم على بن حسن (ابن عساكر)، تحقيق على شيري، بيروت، دارالفكر، ١٤١٥ق.
١١. تاريخ الطبري، ابوجعفر محمد بن جرير طبري، بيروت، دارالكتب العلمية.
١٢. تاريخ اليعقوبي، احمد بن ابي يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح (يعقوبي)، بيروت، دار صادر.
١٣. التذكرة الحمدونية، محمد بن حسن بن محمد بن على (ابن حمدون)، تحقيق احسان عيس و بكر عباس، بيروت، دارصادر، اول، ١٩٩٦م.
١٤. تذكرة الخواص، سبط ابن جوزي، شمس الدين ابوالمظفر يوسف بن فرغلي بن عبد الله بغدادى، بيروت، مؤسسة اهل البيت، ١٤٠١ق.
١٥. تفسير العياشي، محمد بن مسعود عياشي، تحقيق سيد هاشم رسولى محلاتي، تهران، اول، ١٣٨٠ق.
١٦. تهذيب الاحكام، محمد بن حسن طوسي، تحقيق سيد حسن موسوي خراسان، تهران، دارالكتب الاسلامية، ١٣٦٥ش.
١٧. تهذيب الاسماء و اللغات، ابوزكريا محي الدين يحيى بن شرف نووي، تحقيق مكتب البحوث و الدراسات، بيروت، دارالفكر، اول، ١٩٩٦م.

۱۸. حاشیه قلبوی علی شرح جلال الدین المحلی علی منهج الطالبین، شهاب الدین احمد بن احمد بن سلامة القلیوبی، تحقیق مکتب البحوث و الدراسات، لبنان، دارالفکر، اول، ۱۴۱۹ق.
۱۹. حیاة سیدة النساء فاطمة الزهراء عليها السلام، باقر شریف قرشی.
۲۰. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، تحقیق مؤسسه الامام المهدي، قم، مؤسسه الامام المهدي، ۱۴۰۹ق.
۲۱. خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، احمد بن شعيب ابو عبدالرحمن نسایی، تحقیق احمد میرین بلوشی، کویت، مکتبه المعلا، اول، ۱۴۰۶ق.
۲۲. ربیع الابرار، ابوالقاسم محمود بن عمر (جار الله زمخشری).
۲۳. رسائل المرتضی، شریف مرتضی، تحقیق سیداحمد حسینی و سیدمهدي رجایی، قم، دارالقرآن، ۱۴۰۵ق.
۲۴. سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، محمد بن یوسف صالحی شامی، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۴ق.
۲۵. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید ابو عبدالله قزوینی، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دارالفکر.
۲۶. سنن ابی داود، سلیمان بن اشعث ابو داود سجستانی، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، دارالفکر.
۲۷. سنن البیهقی الکبری، احمد بن حسین ابوبکر بیهقی، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مکه، مکتبه دارالباز، ۱۴۱۴ق.
۲۸. سنن سعید بن منصور، سعید بن منصور خراسانی، تحقیق حبیب الرحمن اعظمی، هند، اول، ۱۴۰۳ق.
۲۹. السیرة الحلبیة فی سیرة الامین المأمون، علی بن برهان الدین حلبی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۰ق.
۳۰. شرح احقاق الحق و ازهاق الباطل، سیدشهاب الدین مرعشی نجفی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳۱. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، تحقیق ابراهیم محمد ابوالفضل، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۳۲. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل ابو عبدالله بخاری، تحقیق مصطفی ديب البغا، بیروت، دارابن کثیر، سوم، ۱۴۰۷ق.
۳۳. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج ابوالحسین نیشابوری، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳۴. الطبقات الکبری، محمد بن سعد بن منیع زهری، بیروت، دارصادر.
۳۵. العقد الفريد، احمد بن محمد بن عبدربه اندلسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۲۰ق.

٣٦. قوت القلوب فى معاملة المحبوب، محمد بن على بن عطية حارثى ابوطالب مكى، تحقيق عاصم ابراهيم كيالى، بيروت، دار الكتب العلمية، دوم، ١٤٣٦ق.
٣٧. الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، دارالكتب الاسلامية، سوم، ١٣٦٧ش.
٣٨. الكافى فى فقه الامام المبجل احمد بن حنبل، عبد الله بن احمد بن قدامة ابومحمد مقلسى، بيروت، المكتب الاسلامى.
٣٩. الكامل فى التاريخ، عز الدين بن اثير جزرى، تحقيق عبدالله قاضى، بيروت، دارالكتب العلمية، دوم، ١٤١٥ق.
٤٠. اللهوف على قتلى الطفوف، على بن موسى ابن طاووس، تهران، جهان، اول، ١٣٤٨ش.
٤١. المبسوط فى الفقه و التشريع، شمس الدين محمد بن احمد سرخسى، تحقيق دارالمعرفة، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٦ق.
٤٢. المجتبى من السنن، احمد بن شعيب ابوعبدالرحمن نسائى، تحقيق عبدالفتاح ابو غدة، حلب، مكتب المطبوعات الاسلامية، دوم، ١٤٠٦ق.
٤٣. المجدى فى انساب الطالبين، على بن محمد علوى، تحقيق احمد مهدوى دامغانى، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى، ١٤٠٩ق.
٤٤. المسائل السروية، محمد بن محمد بن نعمان عكبى، تحقيق صائب عبدالحميد، بيروت، دارالمفيد، دوم، ١٤١٤ق.
٤٥. المسائل العكبىة، محمد بن محمد بن نعمان عكبى، بيروت، دارالمفيد، ١٤١٤ق.
٤٦. المستدرک على الصحيحين، محمد بن محمد حاكم نيشابورى، تحقيق يوسف مرعشلى، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٦ق.
٤٧. المصنف، ابوبكر عبدالرزاق بن همام الصنعائى، تحقيق حبيب الرحمن اعظمى، بيروت، المكتب الاسلامى، دوم، ١٤٠٣ش.
٤٨. مقباس الهدايه، عبدالله مامقانى، بيروت، مؤسسة آل البيت، ١٤٢٣ق.
٤٩. مناقب آل ابى طالب، محمد بن على ابن شهر آشوب، نجف، المكتبة الحيدرية، ١٣٧٦ق.
٥٠. نثر الدر فى المحاضرات، ابوسعبد منصور بن حسين أبى، تحقيق خالد عبدالغنى، بيروت، دارالكتب العلمية، اول، ١٤٢٤ق.
٥١. نسب قريش و اخبارها، ابوعبدالله مصعب زبيرى، تحقيق ليفى بروفنسال، قاهره، دارالمعارف.
٥٢. الوافى بالوفيات، صلاح الدين خليل بن ايبك صفدى، تحقيق احمد ارناؤوط و تركى مصطفى، بيروت، داراحياء التراث، ١٤٢٠ق.